

ژورنال حقوق جنائی بین‌المللی

ژوئیه ۲۰۰۵

گردهمائی

## دادگاه جنائی بین‌المللی و کشور غیر عضو جمهوری اسلامی ایران و دادگاه جنائی بین‌المللی

هیراد ابطحی

[دارای فوق‌لیسانس حقوق بین‌الملل، دانشگاه رابرت شومن، استراسبورگ؛ مشاور حقوقی ریاست دادگاه جنائی بین‌المللی؛ دستیار سابق مسئول قضائی پرونده میلسویچ، دادگاه سوم دیوان جنائی بین‌المللی یوگسلاوی سابق. نظرات مطروحه در این مقاله، نظرات شخصی نویسنده بوده و لزوماً نظرات دادگاه جنائی بین‌المللی و یا سازمان ملل متحد نمی‌باشد. نویسنده مایل است مراتب سپاس خود را از همیاری سفیناز جدالی ابراز نماید؛ [hiradabtahi@yahoo.ca](mailto:hiradabtahi@yahoo.ca)]

حق طبع محفوظ و منحصر به انتشارات دانشگاه آکسفورد است؛ سال ۲۰۰۵، هیراد ابطحی

### چکیده

مانند بسیاری از کشورها، ایران در قبال اساسنامه دادگاه جنائی بین‌المللی ( که از این پس «اساسنامه» نامیده خواهد شد) موضع دوگانه و متغیری، که از حمایت مشتاقانه تا تردید و ناپابوری آشکار در نوسان می‌باشد، را اتخاذ کرده است. ایران به علت تجربه جنگ با عراق، در صدد است که از صلاحیت این دادگاه برای محاکمه تجاوز و جنایت جنگی استفاده کند؛ علاوه بر آن، ایران تصور می‌کند در صورت تصویب جنایت تجاوز در اساسنامه دادگاه، می‌تواند از آن به عنوان حربه‌ای علیه سلطه ابرقدرتها استفاده کند. اما مسائل اصلی برای ایران برخی مجازات‌هایی است که بر اساس حقوق کیفری ایران در نظر گرفته شده است، از جمله اعدام، شلاق زدن، سنگسار نمودن و قطع اعضاء بدن، و علاوه بر آن طرز رفتار با اقلیت‌ها و جنسیت‌گرائی. نگرانی دیگر آن کشور ممکن است وجود قضات غیر مسلمان در دادگاه باشد که احتمالاً با اصول شرعی اسلامی (قوانین شرع) آشنا نباشند و یا حساسیت‌های در مقابل آن داشته باشند. بر اساس اصول اعتقادات اسلامی، قضات غیر مسلمان نمی‌توانند مسلمانان را محاکمه نمایند. این مسئله به گونه‌ای متناقض، مشوق و انگیزه‌ای برای ایران گردیده که تصویب این اساسنامه را در نظر داشته باشد. تاکنون ایران این اساسنامه را امضاء کرده اما تصویب ننموده است. بررسی‌هایی جهت تصویب این اساسنامه توسط مجلس در جریان است. در صورت تصویب این اساسنامه، ممکن است مشکلاتی میان مقررات این اساسنامه و اصول شرعی بروز کند.

### ۱. مقدمه

جایگاهی که ایران در جامعه بین‌المللی به خود اختصاص داده، غالباً به درستی درک نمی‌شود. از نقطه نظر مذهبی، ایران بزرگترین جامعه شیعیان جهان را داراست. اما باید این نکته را هم در نظر داشت که شیعیان، شاخه‌ای اقلیت از اسلام را تشکیل می‌دهند. از طرف دیگر ایران، شانه به شانه ترکیه، پنجمین کشور بزرگ مسلمان در جهان است. هیچیک از این شش کشور بزرگ مسلمان، جزء کشورهای عربی به شمار نمی‌روند. اکثر مردم ایران فارسی زبان هستند. از اینرو، این کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی

است، اما عضو اتحادیه کشورهای عربی (اتحادیه عرب) نمی‌باشد. و بالاخره، این که از نظر جغرافیایی ایران کشوری است که در آسیا واقع شده - و نه در ناحیه نامشخص، تقریبی، و نامعینی که آن را «خاور میانه و آفریقای شمالی» می‌نامند.<sup>۱</sup>

برای درک بهتر روابط میان کشورها و این دادگاه، شناخت این نهادها و روانشناسی حکومت‌ها بسیار مهم است. این مطلب در باره جمهوری اسلامی ایران که در آن هر گونه تلاشی برای رد و یا تصویب اساسنامه، تحت شرایط قانونی و سازمانی بسیار پیچیده‌ای عمل می‌کند نیز صادق می‌باشد. در یک چنین محیطی، حقوق بین‌الملل به تنهایی کافی نیست و نمی‌توان آن را به گونه‌ای کاملاً مجزا از قوانین داخلی مورد مطالعه قرار داد. این مطلب به ویژه در مورد حقوق جنائی بین‌الملل آنطور که در اساسنامه دادگاه جنائی بین‌المللی ارائه شده، صادق است، که در واقع چیزی فراتر از تشکیل یک سازمان بر پایه معاهدات بوده، و اساسنامه‌ای است که بر تفاعل و روابط متقابل میان حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی تأکید می‌کند، به خصوص با توجه به اصل دادرسی تکمیلی.<sup>۲</sup>

این مقاله برای توضیح بهتر مواضع ایران در قبال اساسنامه دادگاه جنائی بین‌المللی، ابتدا مروری خلاصه بر قانون اساسی ایران (در قسمت دوم) خواهد داشت، سپس (قسمت سوم) به بیان مواضع ایران در برابر این اساسنامه خواهد پرداخت، و در اخیر (قسمت چهارم) مشکلاتی که در نتیجه الحاق احتمالی این اساسنامه در قانون ملی ایران بوجود خواهد آمد را بررسی می‌کند.

## ۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران<sup>۳</sup>

به دنبال سقوط دولت پادشاهی ایران در نتیجه انقلاب سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ شمسی)، جمهوری اسلامی در ایران پدید آمد که از نظر ساختاری، یک تغییر بنیادی نسبت به گذشته داشت. این سیستم جدید حکومتی نه تنها نقطه پایانی بر ساختار حکومتی سلطنتی ۳۰۰۰ ساله گذاشت، بلکه تولد یک سیستم حکومت مذهبی را مطرح ساخت که شدیداً در آرمان‌های انقلابی به وجود آورنده آن ریشه داشت. .

## الف) یک حکومت مذهبی

<sup>۱</sup> برای مثال در حالی که ائتلاف کشورهای طرفدار دادگاه جنائی بین‌المللی، در فهرست‌بندی کشورهای امضاء کننده اساسنامه، از گروه بندی مجمع عمومی سازمان ملل متحد بهره می‌گیرد، اما فهرست دیگری را هم تهیه کرده که بر اساس فهرست قبلی است اما «کمی اصلاح شده» که در آن از یک طرف بعضی از کشورهای آسیای غربی و شمال آفریقا را در گروه کشورهای آفریقای شمالی/خاور میانه قرار داده و بقیه کشورهای آسیائی را در گروه «جزائر آسیا/پاسیفیک» قرار داده است. در نتیجه دو تا از نزدیکترین همسایگان ایران، افغانستان و تاجیکستان، که زبانشان با ایران مشترک است (فارسی) و دارای میراث تاریخی مشترکی نیز هستند در گروه جزایر آسیا/پاسیفیک قرار گرفته‌اند، در حالیکه ایران با کشورهایمانند مراکش و الجزایر که در شمال غربی آفریقا قرار دارند، در یک گروه قرار گرفته. این کار همان قدر منطقی است که برای مثال اطریش و سویس را در گروه اروپای غربی و دیگر کشورها نگاه داریم در حالیکه به عنوان مثال آلمان و بلژیک را در گروه کشورهای امریکای لاتین و جزایر کارائیب بگذاریم؛ نگاه کنید به <http://www.iccnw.org/countryinfo/RATIFICATIONSbyRegion.pdf> (تاریخ دسترسی ۱۵ آوریل ۲۰۰۵).

<sup>۲</sup> این اصلی است که بر پایه آن دادگاه جنائی بین‌المللی فقط هنگامی به جرایم رسیدگی می‌کند که قوانین داخلی کشور عضو قادر و یا مایل به رسیدگی به پرونده نباشد. مترجم

<sup>۳</sup> یادداشت در باره ترجمه‌های فارسی به انگلیسی: نویسنده متوجه شده است که در موارد بسیاری ترجمه‌های مختلفی که از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از فارسی به انگلیسی صورت گرفته، بسته به طرز تلفظ‌های سکولار و مذهبی، با یکدیگر تفاوت داشته‌اند. بنابراین در این مقاله، اصطلاحات مذهبی استفاده شده در قانون اساسی، به خودی خود و بدون ترجمه استفاده شده است، که در کنار آن توضیحی از نویسنده آمده است. به منظور مقایسه و تطبیق، نگاه کنید به ترجمه‌های مفید ذیل: [http://www.oefre.unibe.ch/law/icl/ir00000\\_html](http://www.oefre.unibe.ch/law/icl/ir00000_html); <http://www.iranologyfo.com/low-e01.htm> (تاریخ دسترسی ۱۵ آوریل ۲۰۰۵) و <http://www.salamiran.org/IranInfo/State/Constitution/> (تاریخ دسترسی ۱۵ آوریل ۲۰۰۵). علاوه بر آن نویسنده به چند مقاله رجوع می‌کند که در کتابی یافت می‌شود که فقط به زبان فارسی وجود دارد؛ بنا بر این نقل قول‌هایی که از این کتاب صورت گرفته، توسط شخص نویسنده ترجمه گردیده است.

در بهار ۱۳۵۸، پس از سقوط حکومت پادشاهی ایران، رفراندومی (در ایران برگزار شد) که نتیجه آن الغاء قانون اساسی سلطنتی مصوب ۱۲۸۵ و تایید جمهوری اسلامی عنوان یک شکل حکومتی بود که آن هم بالاخره به تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی (که از این پس «قانون اساسی» نامیده خواهد شد) انجامید. قانون اساسی که بازتاب تصورات و دیدگاه سیاسی - مذهبی رهبر آیت‌الله خمینی بود، در تیر ماه ۱۳۶۸ اصلاح گردید. این قانون اساسی نه تنها رسماً نام کشور را از ایران به جمهوری اسلامی ایران تغییر می‌دهد - و مکتب شیعه اثنی‌عشری (دوازده امامی) را مذهب رسمی کشور اعلام می‌نماید،<sup>۴</sup> بلکه از آن نیز فراتر رفته و ساختار حکومت ایران را دین سالار می‌سازد.

در سراسر مقدمه قانون اساسی (یا به اختصار، «مقدمه»)، به دفعات به «امت اسلامی و حکومت اسلامی» اشاره می‌شود. مقدمه اظهار می‌دارد که این حکومت، تحقق آرمان‌های سیاسی ملتی با یک مذهب و ایدئولوژی مشترک است که با هدف نهائی به سوی الله در حرکت می‌باشد. در یک چنین چارچوب گسترده‌ای، مأموریت قانون اساسی، ایجاد شرایط لازم برای شکل‌گیری انسان‌ها بر طبق ارزش‌های اسلامی است.

مقدمه همچنین توضیح می‌دهد که از آنجا که تمامی قوانین باید پیرو قرآن و سنت باشد، باید یک فقیه عادل (یعنی شخصی که علوم شرعی را تحصیل کرده است) بر آن نظارت دقیق داشته باشد.<sup>۵</sup> از اینرو فقیه، که در زمان غیبت حضرت ولی عصر (امام زمان شیعیان که در قرن نهم غایب شد و در انتظار بازگشت وی هستند) رهبری امت اسلامی را در جمهوری اسلامی ایران به عهده خواهد داشت.<sup>۶</sup> در مجموع، عقیده آیت‌الله خمینی آن‌گونه که در قانون اساسی گنجانده شده، این بود که فعالیت‌های قوای مقننه، مجریه و قضائیه باید تحت رهبری عقیدتی - سیاسی فقیه که رهبر امت اسلامی را در دست دارد صورت گیرد.<sup>۷</sup>

در یک چنین شرایطی، بر طبق مقدمه، قوه مجریه باید با به اجرا درآوردن قوانین اسلامی در جهت تشکیل یک جامعه اسلامی قدم بردارد. مشابهاً نقش قوه قضائیه برای محافظت از حقوق مردم و پیشگیری از هرگونه انحراف در درون امت اسلامی با اهمیت می‌باشد.

قانون اساسی همچنین مصرح می‌دارد که جمهوری اسلامی ایران بر پایه اعتقاد به اصولی مانند «خدای یکتا، و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛ معاد؛ بازگشت و سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛ عدل خدا در خلقت و تشریح؛ و اجتهاد مستمر فقها (یعنی نتیجه‌گیری منطقی در باره یک موضوع حقوقی یا شرعی) بر اساس قرآن و سنت معصومین (یعنی پیامبر اسلام، دخترش و ۱۲ امام) بنا شده است.<sup>۸</sup>

<sup>۳</sup> اصل ۱۲ قانون اساسی. همچنین باید توجه داشت که اصل ۱۳ قانون اساسی تصریح می‌نماید که زرتشتی‌ها، یهودیان و مسیحیان ایرانی تنها اقلیت‌های مذهبی هستند که در کشور به رسمیت شناخته می‌شوند، در حالیکه ماده ۶۴ قانون اساسی مصرح می‌دارد که از ۲۷۰ نماینده مجلس شورای اسلامی، زرتشتی‌ها و یهودیان هر یک باید یک نماینده داشته باشند، مسیحی‌های آسوری و کلدانی با هم یک نماینده داشته باشند، و مسیحی‌های ارمنی شمال و جنوب نیز هر یک دارای یک نماینده باشند.

<sup>۴</sup> قوانین شرع که در درجه اول قانونی هم هستند، تمام جنبه‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و شخصی زندگی را در بر می‌گیرد. از قدیم این قوانین شامل دو گروه مقررات بوده است: نیایش/مراسم مذهبی و حقوقی/سیاسی.

<sup>۵</sup> اصل ۵ قانون اساسی.

<sup>۶</sup> عین عبارت در قانون اساسی، ولایت فقیه، ولایت امر و امامت امت است؛ نگاه کنید به اصل ۵۷ قانون اساسی.

<sup>۷</sup> اصل ۲ قانون اساسی.

اساساً تمام قوانین و مقررات، از جمله خود قانون اساسی باید بر پایه اصول و معیارهای اسلامی باشد - که این موضوع باید توسط شورای نگهبان ارزیابی گردد.<sup>۹</sup>

### ب) یک سیستم منحصر به فرد

جمهوری اسلامی ایران شباهت زیادی به یک رژیم ریاست جمهوری دارد که در آن رئیس جمهور که باید به اصول جمهوری اسلامی و اسلام شیعی معتقد باشد، با رأی مستقیم مردم از میان شخصیت‌های برجسته سیاسی و مذهبی، برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌گردد، که چنین انتخاباتی یک بار قابل تجدید است.<sup>۱۰</sup> رئیس جمهور که رئیس هیئت وزراست، کمکی از جانب نخست وزیر و کابینه او دریافت نمی‌کند، بلکه توسط معاونان و یا جانشین‌ها و وزیرهای مختلف دستیار می‌شود.<sup>۱۱</sup> وی معاهدات بین‌المللی را پس از تصویب مجلس امضاء می‌کند.<sup>۱۲</sup> در ارتباط با قوه مقننه یک قبطی جمهوری اسلامی ایران هم، این نمایندگان منتخب مردم هستند که در مجلس شورای اسلامی، آن را به موقع اجرا می‌گذارند.<sup>۱۳</sup> و بالاخره یک قوه قضائیه وجود دارد که مثلث قدیمی قوای [سه گانه] مونتسکیو را تکمیل می‌کند.<sup>۱۴</sup>

همانطور که در بالا گفته شد، این سیستم به علت وجود ستون چهارم در قانون اساسی، یعنی وجود یک رهبر یا شورای رهبری، شباهت زیادی به یک رژیم جمهوری دارد، اما کاملاً شبیه آن نیست.<sup>۱۵</sup>

### ج) یک قوه قضائیه دین سالار بی نظیر

بر اساس اصولی که بیش از این شرح داده شد، مقدمه تصریح می‌کند که سیستم قضائی باید بر اساس عدالت اسلامی باشد و فقط توسط قضاتی که تسلط کامل به حقوق اسلامی داشته باشند، اجرا شود.

در اینجا هم یک خصوصیت دیگر این رهبری، یعنی قدرت آن برای نصب، عزل، و قبول استعفای رئیس قوه قضائیه، که البته نباید وی را با وزیر دادگستری اشتباه کرد، بر ملا می‌شود.<sup>۱۶</sup> در واقع وزیر دادگستری پس از آنکه توسط رئیس قوه قضائیه [برای این سمت] نامزد می‌گردد، که خود او [رئیس قوه قضائیه] هم برای مدت پنج سال توسط مقام رهبری به این سمت منصوب شده، یعنی

<sup>۸</sup> اصول ۴، ۷۲، ۹۱، و ۹۴ قانون اساسی. آنچه در این بررسی مد نظر است ترکیب شورای نگهبان می‌باشد: از ۱۲ عضو این شورا، شش فقیه توسی مقام رهبری انتخاب می‌شوند، در حالیکه شش عضو دیگر حقوقدان‌هایی هستند که پس از آنکه توسط رئیس قوه قضائیه از میان حقوقدانان مسلمان معرفی می‌گردند، توسط مجلس انتخاب می‌شوند. (اصل ۹۱ قانون اساسی).

<sup>۹</sup> فصل نهم قانون اساسی (اصول ۱۵۱-۱۱۳) قوه مجریه را شرح می‌دهد، اصول ۱۱۵-۱۱۳.

<sup>۱۰</sup> اصول ۱۳۴ و ۱۲۴ قانون اساسی.

<sup>۱۱</sup> اصل ۱۲۵ قانون اساسی.

<sup>۱۲</sup> فصل ۶ قانون اساسی (اصول ۹۹-۶۲) قوه مقننه را شرح می‌دهد.

<sup>۱۳</sup> فصل ۱۱ قانون اساسی (اصول ۱۷۴-۱۵۶) قوه قضائیه را شرح می‌دهد.

<sup>۱۴</sup> فصل ۸ قانون اساسی (اصول ۱۱۲-۱۰۷) در مورد رهبر یا شورای رهبری شرح می‌دهد. رهبر که توسط مجلس خبرگان انتخاب می‌شود، شخصی است که اساسی‌ترین صلاحیت تحصیلی‌اش در فقه (یعنی علوم شرعی) و سیاسی باشد، و نیز از خصوصیات دیگری هم مانند عدل و تقوی که لازمه رهبری امت اسلامی است برخوردار باشد (اصل ۱۰۹ قانون اساسی). به جز صلاحیت‌های مذهبی، آنچه که رهبری را امری خاص می‌سازد، موقعیت و قدرت آن است. در واقع نه تنها رئیس جمهور که بالاترین مقام رسمی است، رتبه‌اش بعد از مقام رهبری قرار می‌گیرد، بلکه وی همچنین مسئول اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه نیز هست، مگر در موضوعاتی که مستقیماً مربوط به مقام رهبری می‌شود (اصول ۶۰ و ۱۱۳ قانون اساسی). بنا بر این مقام رهبری از جمله مسئول تعیین خط مشی‌های کلی جمهوری اسلامی ایران، فرماندهی کل نیروهای مسلح، یا اعلام جنگ و صلح است (اصل ۱۱۰ قانون اساسی).

<sup>۱۵</sup> اصل ۱۱۰ قانون اساسی

برای مدتی طولانی تر از یک دوره ریاست جمهوری، به دنبال رأی اعتماد مجلس، توسط رئیس جمهور منصوب می‌گردد.<sup>۱۷</sup> در عمل، وزیر دادگستری و رئیس قوه قضائیه مسئولیتهای متفاوتی را به عهده دارند.<sup>۱۸</sup>

در میان مسئولیتهای کیفری قوه قضائیه، می‌توان به اجرای مقررات کیفری اسلامی، از جمله آنهایی که در قرآن ذکر شده‌اند، اشاره نمود که بر پایه وحی الهی به پیامبرش حضرت محمد است، مانند حدود.<sup>۱۹</sup> اگر مقررات مورد بحث در قانون مدون وجود نداشته باشند، آنگاه قضات باید یا به منابع موثق و معتبر اسلامی و یا به فتوا (یعنی نظریه حقوقی) و یا هر دوی آنها روی آورند.<sup>۲۰</sup>

در هر حال، قضات باید از به اجرا در آوردن احکام و مقررات دولتی که به خصوص مخالف قوانین اسلام است، اجتناب نمایند.<sup>۲۱</sup>

### ۳. موضع دو گانه ایران در برابر اساسنامه دادگاه جنائی بین‌المللی

ایران در مراحل مختلف تهیه جزئیات این اساسنامه حضور فعالی داشته است. در کنفرانس دیپلماتیک سازمان ملل متحد برای تأسیس یک دادگاه جنائی بین‌المللی، که از ۱۵ ژوئن تا ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ در رم برگزار شد (که از این پس کنفرانس رم نامیده خواهد شد)، ایران که در آن موقع ریاست سازمان کنفرانس اسلامی را به عهده داشت، ریاست موقت گروه آسیا و نیز مدیریت جنبش عدم تعهد را در این کنفرانسبر عهده داشت.<sup>۲۲</sup>

ایران نیز مانند بسیاری از کشورها در برابر این اساسنامه، موضع دوگانه‌ای را در پیش گرفته است که از حمایت مشتاقانه گرفته تا تردید و ناباوری آشکار در نوسان می‌باشد.

### الف) حمایت از صلاحیت قضائی در مورد جرائم تجاوز و جنایات جنگی

هم محققان و مقامات رسمی وزارت امور خارجه ایران و هم قوه قضائیه این کشور مداوماً علاقمندی خاص خود را در باره صلاحیت قضائی این دادگاه در قبال جرائم تجاوز و نیز جنایات جنگی اظهار داشته‌اند.<sup>۲۳</sup> بخصوص معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی

<sup>۱۶</sup> اصول ۱۶۰ و ۱۵۷ قانون اساسی.

<sup>۱۷</sup> وزیر دادگستری مسئول اموری است که به روابط میان قوای قضائیه و مقننه و مجریه مربوط می‌شود، در حالیکه ممکن است به وی فعالیتهای مالی، اداری، و منابع انسانی (به جز قضات) نیز واگذار شود: اصل ۱۶۰ قانون اساسی. در مورد رئیس قوه قضائیه باید گفت که وی یک مجتهد است (یعنی متخصص الهیات که صلاحیت حل مشکلات حقوقی و مذهبی را نیز دارا می‌باشد)، و مسئول تشکیل ساختار قوه قضائیه، تهیه پیش‌نویس لوایح حقوقی مناسب برای جمهوری اسلامی، و امور مربوط به استخدام قضات، مانند نصب و عزل آنها می‌باشد (اصل ۱۵۸ قانون اساسی).

<sup>۱۸</sup> اصل ۱۵۶ قانون اساسی. حدود به معنی «مرزها» است؛ در نتیجه هر کس که از این مرزها عبور کند، شامل «حد» (یعنی مجازات) خواهد شد که میزان این مجازات در مورد هر جرمی در قوانین شرعی تعیین گردیده است.

<sup>۱۹</sup> اصل ۱۶۷ قانون اساسی.

<sup>۲۰</sup> اصل ۱۷۰ قانون اساسی. هم تخلفات سیاسی و هم مطبوعاتی می‌تواند تحت تعقیب قانونی قرار گیرد، که تخلفات سیاسی توسط قانون و بر طبق اصول و معیارهای اسلامی تعیین می‌شود.

<sup>۲۱</sup> نگاه کنید به جی. ظریف، «سخنرانی»، اسحق الحیب، «دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران (تهران: مؤسسه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل»، وزارت امور خارجه، سال ۲۰۰۰، فقط به فارسی قابل دسترسی است) («ظریف»، ص. ۱۷).

<sup>۲۲</sup> برای مثال نگاه کنید به بیانیه دکتر سعید میرزائی ینگجه، نماینده جمهوری اسلامی ایران در کمیته ششم برای برنامه کار در مورد موضوع ۱۵۳، تأسیس یک دادگاه جنائی بین‌المللی، نیویورک، ۲۲ اکتبر ۱۹۹۸؛ بیانیه دکتر سعید میرزائی ینگجه، نماینده جمهوری اسلامی ایران در کمیته ششم برای برنامه کار در مورد موضوع ۱۵۳، تأسیس یک دادگاه جنائی بین‌المللی، نیویورک، ۲۰ اکتبر ۱۹۹۹ [از این به بعد: «بیانیه ینگجه ۲۰ اکتبر ۱۹۹۹»]؛ بیانیه جناب آقای سید محمد هادی نژاد حسینیان، سفیر و نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، در پنجاه و چهارمین جلسه مجمع عمومی در باره برنامه کار برای موضوع ۱۵۴، دهه حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، نیویورک، ۱۷ نوامبر ۱۹۹۹ [از این به بعد: «نژاد حسینیان»]؛ بیانیه دکتر سعید میرزائی ینگجه، نماینده جمهوری اسلامی ایران در

ایران در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸ در کنفرانس رم اظهار داشت که هیئت نمایندگان وی از آوردن جرم تجاوز در کنار «نقص جدی قوانین و عرف بین‌المللی در منازعات مسلحانه بین‌المللی، و موارد جدی نقض کنوانسیون‌های ژنو» و جرم نسل‌کشی در یک گروه حمایت می‌نمایند.<sup>۲۴</sup> بعداً در سال ۲۰۰۰ نیز اهمیت شمول مقرراتی در باره جنایات جنگی و جنایت تجاوز مورد تأکید مجدد آیت‌الله یزدی، رئیس قوه قضائیه قرار گرفت.<sup>۲۵</sup>

تمرکز فراگیر ایران بر روی این دو جنایت، دارای یک سابقه روانی است که ریشه عمیقی در تهاجم ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ عراق به ایران دارد، که تا ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۸ که دو کشور پیمان آتش بس را امضاء نمودند به یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ‌های مسلحانه بین‌المللی قرن بیستم بین دو کشور انجامید. اگر در یک موقعیت جغرافیایی سیاسی گسترده‌تری به این واقعه بنگریم، این جنگ بخاطر یک حکومت انقلابی مذهبی بسیار جوان بود که تجاوز به مرزهای بین‌المللی‌اش را به عنوان نمادی از حمایت ابر قدرتها از دولت سکولار عراق می‌دید که در صدد جنگ با یک حکومت دین‌سالار بود که اشتیاقش به صدور ارزش‌های سیاسی و مذهبی‌اش به حدی بود که تنها با آمادگی‌اش برای تحمل تلفات سنگین برای ارضای چنین اشتیاقی، و یا آنطور که در طی این مبارزات مسلحانه گفته می‌شد «با نوشیدن شربت شهادت» قابل برابری بود<sup>۲۶</sup> - و از اینرو است که در ادبیات رسمی رژیم جمهوری اسلامی ایران، اصطلاح «جنگ تحمیلی» به کار می‌رود.

یک جنبه اختصاصی تاریخی این جنگ مسلحانه - که شمار تلفاتش از ۵۰۰,۰۰۰ تا یک میلیون متغیر است و شمار معلولین آن به میلیونها می‌رسد - ثبت تأسف بار به کارگیری سلاح شیمیایی گاز اعصاب تابون برای نخستین بار است. این سلاح و گاز خردل به طور گسترده و سیستماتیک توسط تشکیلات رزمی ویژه عراقی بر علیه نیروهای مسلح ایرانی به کار گرفته شد، که نتیجه‌اش آلودگی کشنده بیش از ۱۰۰,۰۰۰ پرسنل ارتش بود و این رقم شامل تلفات غیر نظامیان نمی‌شود. هنوز به جز تلفاتی است که در میان غیر نظامیان به بار آورد.<sup>۲۷</sup> ویژگی دیگر این درگیری مسلحانه استفاده از موشک‌های بالستیک بود که به علت عدم دقت نسبی‌شان، اغلب با نابود ساختن اهداف غیر نظامی، به قصد ایجاد آشفتگی در مناطق غیر نظامی، به کار گرفته می‌شدند. بر طبق گفته چارلز دیولفر، مشاور ویژه رئیس سازمان امنیت مرکزی، در طی جنگ ایران و عراق، ۵۱۶ موشک اسکاد روسی توسط عراقی‌ها شلیک گردید.<sup>۲۸</sup>

---

کمیته ششم برای برنامه کار در مورد موضوع ۱۶۴، تأسیس یک دادگاه جنائی بین‌المللی، نیویورک، ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱ [از این به بعد: «بیانیه پنگجه ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱»]، قابل دسترسی در <http://www.iccnw.org/countryinfo/northafricamiddleeast/iran.html> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۵).

<sup>۲۳</sup> بیانیه آقای جواد ظریف، معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸، قابل دسترسی در <http://www.un.org/icc/speeches/617ira.htm> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۵)، [از این به بعد: «بیانیه ظریف»].

<sup>۲۴</sup> نگاه کنید به آیت‌الله محمد یزدی، «سخنرانی»، در اسحق الحیبیب، «دیوان کيفرى بين‌المللى و جمهوری اسلامی ایران» (تهران: مؤسسه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل)، وزارت امور خارجه، سال ۲۰۰۰، فقط به فارسی قابل دسترسی است) («یزدی»، ص. ۱۳.

<sup>۲۵</sup> در باره برداشت جمهوری اسلامی ایران از موضع شورای امنیت در پشتیبانی از صدام حسین هم در مورد جنایت تجاوز و هم جنایات جنگی در جنگ ایران و عراق، نگاه کنید به «ظریف»، رک. زیر نویس ۲۱، صص. ۱۹-۱۸.

<sup>۲۶</sup> بین سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸، نه گزارش از متخصصان به دبیرکل برای تحقیق در باره اتهام استفاده از سلاح‌های شیمیایی، صادر شد، که تمام آنها این اتهامات را تأیید می‌کردند. در طی همان زمان شورای امنیت چندین قطعنامه صادر نمود که استفاده از چنین سلاح‌هایی را محکوم می‌کرد.

<sup>۲۷</sup> شاید آنچه که به بهترین شکل مطالب فوق را خلاصه می‌کند، یافته‌های ذیل از چارلز دیولفر باشد: «مقامات ارشد عراقی گفته‌اند که اعتقاد راسخ داشتند که استفاده از موشک‌های بالستیک و سلاح‌های شیمیایی (که ۱۰۱,۰۰۰ از آنها استفاده شد) توانست با حملات «مواج انسانی» ایرانیان مقابله کند»، گزارش کامل مشاور ویژه به دی. سی. آی در باره سلاح‌های کشتار جمعی عراق، ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۴، جلد ۲ از ۳، صص. ۹۱-۸۱، قابل دسترسی در [http://www.cia.gov/cia/reports/iraq\\_wmd\\_2004/](http://www.cia.gov/cia/reports/iraq_wmd_2004/) (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۵).

اما ایران در مورد جنایت تجاوز همچنان فعالانه به صلاحیت قضائی دادگاه علاقمند باقی مانده است، که بر طبق گفته مقامات رسمی وزارت امور خارجه و نیز قوه قضائیه، «مهمترین جنایت بین‌المللی» به شمار می‌رود.<sup>۲۹</sup> این را هم می‌توان به جنگ ایران و عراق مربوط دانست که در آن شورای امنیت سازمان ملل متحد به درخواست مکرر جمهوری اسلامی ایران در مورد صدور حکم مبنی بر متجاوز و آغازگر خواندن عراق پاسخ مساعدی نداد. هنگامی که دبیرکل و نه شورای امنیت سه سال پس از پایان جنگ مسلحانه هشت ساله میان ایران و عراق، در گزارشی خطاب به شورای امنیت، عراق را متجاوز خواند این ناکامی و سرخوردگی بیش از پیش در ایران آشکار گردید.<sup>۳۰</sup> اگر به خاطر آوریم که در طی آن سه سال، یک تجاوز جدید دیگر توسط عراق صورت گرفت - این بار نسبت به کویت - که با موضع‌گیری شدیداً قاطعانه شورای امنیت به ویژه نسبت به جنایت تجاوز، دفع شد، رنجش و یأس جمهوری اسلامی ایران، قابل درک می‌گردد.

و نهایتاً اینکه در طی جلسه استماع دادگاه صدام حسین و اعلام اتهامات اولیه وی در برابر قاضی دادگاه ویژه عراق در اول ژوئیه ۲۰۰۴، فقدان کامل هر گونه اتهام در باره جنایاتی که دولت صدام علیه ایرانیان مرتکب شده بود - چه جنایت تجاوز و چه جنایات جنگی - آخرین تلاشهای ناموفق ایران را به نمایش درآورد که نتوانست توجه مختصری را در محدوده حقوق جنائی بین‌الملل، هر چقدر هم که جزئی و مختصر، به این جنگ جلب کند.<sup>۳۱</sup>

امروز ایران به این اساسنامه، بخصوص در مورد جنایت تجاوز، به عنوان ابزاری علیه سلطه نظامی ابر قدرت‌ها نگاه می‌کند.<sup>۳۲</sup>

به دنبال آنچه که گفته شد، می‌توان فهمید که چرا در طی کنفرانس رم، معاون وزیر امور خارجه ایران پس از ابراز اینکه «دادگاه باید از هر گونه تأثیرپذیری و مداخله سازمان‌های سیاسی بری باشد» به نظر می‌رسید که با هر گونه ارجاع و احتمالاً تأخیر-جنایات تجاوز- به شورای امنیت و نیز برخورداری دادستان از هر گونه اختیارات فردی، مخالف بود.<sup>۳۳</sup> وی همچنین خاطر نشان ساخت که

<sup>۲۸</sup> نگاه کنید به «ظریف»، رک. زیرنویس ۲۱، ۱۹؛ و سید احمد میرحجازی، «قوانین جزائی جمهوری اسلامی و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، در اسحق الحیب، «دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران» (تهران: مؤسسه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل)، وزارت امور خارجه، سال ۲۰۰۰، فقط به فارسی قابل دسترسی است) («میرحجازی»)، ص. ۳۴۰.

<sup>۲۹</sup> گزارش دیگری از دبیرکل در باره اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت (۱۹۸۷)، S/23273، ۹ دسامبر ۱۹۹۱.

<sup>۳۰</sup> حتی اگر قرار بود این اتهامات بعداً در طول محاکمه مطرح شود، این حقیقت که آنها در جلسه استماع اولیه مطرح نگردیدند، فی‌نفسه دارای یک ارزش سمبولیک است. اگر به خاطر آوریم که در میان هفت اتهامی که برای صدام حسین قرائت شد، حداقل یکی از آنها مربوط به وقایعی بود که پیوند مستقیم با جنگ ایران و عراق داشت، ابعاد ناکامی عمیق ایران حتی به گونه‌ای فاحش‌تر آشکار می‌گردد. در حقیقت اتهام استفاده از گاز خردل و گاز اعصاب تا بون علیه کردهای عراقی در حلبچه در ۱۹۸۸ در حقیقت در باره عملی است که در طول جنگ ایران و عراق اتفاق افتاد، که در آن بغداد، مبارزین کرد عراقی در آن منطقه کردنشین عراق را متهم نمود که کمک‌های مالی و اطلاعاتی در اختیار سپاهیان جمهوری اسلامی ایران قرار داده‌اند. اما واقعه حلبچه خود در زمانی اتفاق افتاد که در ۱۹۸۸ یعنی در آخرین سال جنگ ایران و عراق، عملیات انفال آغاز شد. این عملیات که شامل جا به جا نمودن بیش از ۱۰۰۰۰۰ عراقی کرد از طریق استفاده انبوه از سلاح‌های شیمیائی توسط عراق بود، خود یکی دیگر از هفت اتهامی بود که بر علیه صدام حسین مطرح گردید. (همچنین ذکر اتهامات مربوط به سرکوب عرب‌های شیعه عراقی که آیت‌الله خمینی مرتباً آنها را دعوت به سرنگونی رژیم سکولار بعث عراق می‌کرد، نیز حائز اهمیت است.) در یک نگاه وسیع‌تر به این وقایع از نظر ترتیب زمانی، سلاح‌های شیمیائی که بر علیه کردهای عراقی استفاده شد، قبلاً از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ به طور موفقیت‌آمیزی بر علیه ایرانیان استفاده و آزمایش شده بود. معهذاً هیچ‌ذکری از قربانیان ایرانی فاجعه شیمیائی در این منازعات مسلحانه به میان نیامد.

<sup>۳۱</sup> این در بیانیه سال ۱۹۹۹ نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران در پنجاه و چهارمین نشست مجمع عمومی منعکس شده است که اظهار داشته «این بسیار واضح است که در یک سیستم جهانی سازمان یافته که بر پایه حکومت قانون استوار است، عکس العمل‌های تمرکز نیافته نسبت به موارد احتمالی نقض معیارها و اصول حقوق بین‌الملل نمی‌تواند مجاز باشد. مسلماً صرف طبیعت اقدامات تنبیهی یک سویه که متأسفانه در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است، برای ترقی و احترام به اصول حقوق بین‌الملل مضر است.» نژادحسینیان، رک. زیرنویس ۲۲. همچنین نگاه کنید به سی صادق خرازی، «سخنرانی»، در اسحق الحیب، «دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران» (تهران: مؤسسه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل)، وزارت امور خارجه، سال ۲۰۰۰، فقط به فارسی قابل دسترسی است)، ص. ۴.

<sup>۳۲</sup> «بیانیه ظریف»، رک. زیرنویس ۲۳.

«مسئولیت شورای امنیت مطابق منشور سازمان برای تشخیص وجود تجاوز، نباید به هیچ وجه نقش دادگاه را در انجام تحقیقات قضائی برای تعیین این جنایت، تضعیف نماید» و اینکه «تشخیص جنایت تجاوز باید بر عهده دادگاه جنائی بین‌المللی باشد و دولت‌ها باید از حق ارجاع پرونده این جنایت به دادگاه برخوردار باشند».<sup>۳۴</sup>

در سال ۱۹۹۹ نماینده ایران در برابر کمیته ششم همان خواسته‌ها را تکرار نموده و اظهار داشت که در ارتباط با این موضوع، قطعنامه شماره ۳۳۱۴، مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ «باید مبنای مذاکرات باشد»، بعداً در سال ۲۰۰۱، همان نماینده اظهار امیدواری نمود که تعریف جنایت تجاوز در طی نخستین کنفرانس بررسی ۲۰۰۹ تصویب شود.<sup>۳۵</sup>

## ب) نگرانی‌های ایران در مورد اساسنامه دادگاه جنائی بین‌المللی

مانند اکثر کشورها، جمهوری اسلامی ایران نیز از اصل دادرسی تکمیلی حمایت می‌نماید.<sup>۳۶</sup> اما به هر حال برخی از محققان این کشور پیشنهاد می‌کنند که اگر قرار بود این اصل در باره ایران به مرحله آزمایش گذاشته شود، احتمالاً مشکلاتی تولید می‌شد. آنها می‌گویند که بدون مذاقه بیشتر در این امر، هیچگونه تطابقی میان سیستم قضائی ایران و معیارهای بین‌المللی وجود ندارد.<sup>۳۷</sup>

موضوع دیگر، اعدام است که ایران اهمیت فراوانی برای آن قائل است. در ارتباط با این موضوع، جمهوری اسلامی ایران در تنظیم عبارات ماده ۸۰ اساسنامه، در مورد «عدم تعصب نسبت به به کارگیری مجازات‌ها و قوانین ملی» نقش مهمی ایفاء نمود تا اطمینان حاصل نماید که وجود حکم اعدام در قوانین شرعی، در تناقض با اساسنامه نباشد.<sup>۳۸</sup>

با توجه به تمام جنبه‌های تصویب این اساسنامه، محققان و مقامات رسمی دو نکته را مورد سؤال قرار داده‌اند. این دو عبارتند از ماده ۷ اساسنامه در باره جنایت علیه بشریت، و نیز مشکلاتی که بالقوه در نتیجه کمبود قضات مسلمان در دادگاه‌ها بروز خواهد کرد.

### ۱. جنایت علیه بشریت و قوانین شرعی

به طور کلی جنایت علیه بشریت به آن دسته از جنایات اطلاق می‌گردد که آشکارا و به خودی خود با نقض حقوق بشر پیوند دارند. و در مورد همان موضوع آخری (حقوق بشر) است که جمهوری اسلامی ایران با بعضی از جدی‌ترین اختلافات خود با دمکراسی‌های غربی روبرو گردیده است. این نکته علناً توسط مقامات رسمی و محققان ایرانی اذعان گردیده است، به طوری که برخی از آنان این مشکل را به اختلاف در طرز تعبیر و برداشت نسبت می‌دهند، که به نظر آنها «لزوماً» میان تعابیر جامعه بین‌المللی از حقوق بشر، مسائل مربوطه و درک و تعبیر این نکته که «بعضی از کشورها» قوانین داخلی خود را دارند، بستگی دارد.<sup>۳۹</sup> بعضی از مقامات رسمی ایران این واقعیت که دیدگاه‌های متعدد و بسیار متفاوتی در باره تعریف جنایت علیه بشریت وجود دارد را یک مشکل اساسی

<sup>۳۳</sup> همان.

<sup>۳۴</sup> «بیانیه ۲۰ اکتبر ۱۹۹۹»، رک. زیرنویس ۲۲ و «بیانیه ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱»، رک. زیرنویس ۲۲.

<sup>۳۵</sup> اگر چه که در عباراتی که معاون وزیر امور خارجه در مورد «موقعیت‌هایی که مراحل دادرسی داخلی غیر مؤثر و یا غیر قابل دسترسی است به کار برده، شامل عبارت «عدم تمایل» نمی‌شود؛ «بیانیه ظریف»، رک. زیرنویس ۲۳.

<sup>۳۶</sup> اسحق الحیب، «دیوان کیفری بیم‌المللی در یک نگاه: ضرورت‌ها و نگرانی‌ها»، در اسحق الحیب، «دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران» (تهران: مؤسسه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل)، وزارت امور خارجه، سال ۲۰۰۰، فقط به فارسی قابل دسترسی است) («الحیب»)، ص. ۳۵۸.

<sup>۳۷</sup> «میرحجایی»، رک. زیرنویس ۲۸، ص. ۳۴۲.

<sup>۳۸</sup> «الحیب»، رک. زیرنویس ۲۸، صص. ۳۶۱-۳۶۰.



می‌دانند.<sup>۴۰</sup> برای مثال آنها به مقایسه میان قوانین کیفری اسلامی و مقررات مندرج در اساسنامه، و مشکلات مربوط به تعریف اشاره می‌کنند که [به گفته آنها] «همیشه نتیجه داشتن یک دیدگاه فرهنگی یک سویه در بیان این تعاریف است».<sup>۴۱</sup>

مثالی که آنها اغلب به آن استناد می‌کنند، مجازات‌هایی است که در نتیجه اجرای قوانین شرعی جاری می‌شود، مانند شلاق زدن، سنگسار نمودن و قطع دست و پا که آنها عنوان می‌کنند و کلای بین‌المللی این مجازات‌ها را شکنجه و گاهی اعمال غیر انسانی به حساب می‌آورند.<sup>۴۲</sup> بر طبق نظریه همان مقامات رسمی و محققان، اگر این حقیقت در نظر گرفته شود که کلمه «حمله» که در بخش‌هایی از ماده ۷ اساسنامه آمده، موقعیت‌هایی را هم شامل می‌شود که در آنها هیچگونه درگیری مسلحانه‌ای وجود ندارد، و نیز استفاده از اصطلاحات «گسترده» و «سیستماتیک» به جای یکدیگر، علیرغم تلاش‌هایی که در طول کنفرانس رم صورت گرفت تا آن دو را با هم استفاده نمایند، تشبیه این مجازات‌ها به شکنجه به عنوان یک نوع جنایت علیه بشریت را حتی حساستر هم می‌نماید.<sup>۴۳</sup> بنا بر این، این افراد اظهار می‌کنند که هم تعریف نامحدود اصطلاح «حمله» و هم خصوصیت جایگزین بودن هر یک از کلمات «گسترده» و «سیستماتیک» ممکن است تحت شرایط خاصی، مشکلاتی را برای بعضی از کشورها بوجود آورد.<sup>۴۴</sup>

یک مورد نگرانی دیگر هم که توسط جمهوری اسلامی ایران مطرح گردید، مسئله «اقلیت‌ها» می‌باشد که به اذعان محققان و مقامات رسمی، سال‌هاست در برنامه کار کمیسریای عالی سازمان ملل متحد در حقوق بشر قرار دارد.<sup>۴۵</sup> برخی بسته به معنایی که می‌توان به کلمه «اقلیت‌ها» نسبت داد، ممکن است ادعا نمایند که جنبه‌های ایدئ و آزار به عنوان جنایت علیه بشریت ممکن است در بعضی موقعیت‌های بخصوص مطرح شود. در مورد ایران، بر طبق گفته مشاور ارشد سازمان حقوق بشر وزارت امور خارجه، در حالی که نگرانی ابراز شده توسط سازمان‌های بین‌المللی در درجه اول به آزادی مذهب مربوط می‌شود، اما شامل آزادی قومی، سیاسی، فرهنگی و مسائل جنسیتی هم می‌شود.<sup>۴۶</sup>

در حقیقت این همان مشاور ارشد است که به بهترین وجه این مشکلات را خلاصه می‌نماید. بر اساس گفته وی از زمان تشکیل جمهوری اسلامی ایران، تعدادی وضعیت‌های مربوط به حقوق بشر در برنامه کار سازمان‌های بین‌المللی وجود داشته است، بخصوص مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیسریای عالی حقوق بشر، و پارلمان اروپا. علاوه بر این او پیشنهاد می‌کند که در صورتی که ایران اساسنامه را تصویب نماید و اگر «وضعیت فعلی ادامه یابد»، «احتمال جدی» این موضوع وجود خواهد داشت که دادگاه اینها را بر طبق زیر پاراگراف‌های اصل (۱) ۷ اساسنامه «در نظر بگیرد» که می‌گوید: (ائی) زندانی نمودن و یا هر گونه محرومیت فیزیکی شدید دیگر از آزادی، که ناقض اصول حقوق بین‌الملل باشد؛ (اف) شکنجه؛ (جی) جنایات مربوط به جنسیت افراد؛ (اچ) ایدئ و آزار؛ و (آی) ناپدید شدن اجباری افراد.<sup>۴۷</sup>

<sup>۳۹</sup> «ظریف»، رک. زیرنویس ۲۱، ص. ۱۹.

<sup>۴۰</sup> همان.

<sup>۴۱</sup> «الحیب»، رک. زیرنویس ۳۶، ص. ۳۶۲؛ و مصطفی علائی، «دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق بشر و بررسی مسئله الحاق»، در اسحق الحیب، «دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران» (تهران: مؤسسه مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل)، وزارت امور خارجه، سال ۲۰۰۰، فقط به فارسی قابل دسترسی است) («علائی»، ص. ۴۰۳.

<sup>۴۲</sup> «الحیب»، رک. زیرنویس ۳۶، ص. ۳۶۲.

<sup>۴۳</sup> همان.

<sup>۴۴</sup> همان؛ و «علائی»، رک. زیرنویس ۴۱، ص. ۴۰۵.

<sup>۴۵</sup> «علائی»، رک. زیرنویس ۴۱، صص. ۳۹۹ و ۴۰۸.

<sup>۴۶</sup> همان، صص. ۴۰۹-۴۰۸.

در یک چنین شرایطی، دلائلی که در پس نگرانی‌های ایران در رابطه با جنایات علیه بشریت وجود دارد، بیشتر آشکار می‌شود. به طور کلی این نگرانی وجود دارد که اگر قوانین شرعی در چنین محیطی تصور شوند، می‌توان آنها را زیر سؤال برد.

همچنین، می‌توان موضع‌گیری موقفیت‌آمیز ایران را از جانب سازمان کشورهای اسلامی فهمید. بر طبق گفته مشاور آیت‌الله یزدی، اگر کلمه «جنسیت» (که به عنوان زمینه‌ای برای جنایت شکنجه نیز به کار رفته است) فقط به معنای اصلی آن یعنی «مذکر و مؤنث و نه هیچ معنای دیگری» در نظر گرفته شود همجنسبازی و مسائل جنسیتی را از محدوده جرم خارج می‌سازد.<sup>۴۸</sup>

## ۲. قضات دادگاه و قوانین شرع

کمبود، و حتی مهمتر از آن فقدان افرادی از کشورهای مسلمان در میان قضات دادگاه، یکی از نگرانی‌هایی است که توسط جمهوری اسلامی ایران اظهار شده است. برخی از محققان و مقامات رسمی این کشور بر این عقیده‌اند که این ممکن است نشان‌دهنده وجود دو مشکل باشد، که هر دوی آنها هم می‌تواند عواقبی برای قوانین شرع داشته باشد. از یک طرف این هراس وجود دارد که قضات غیر مسلمان ممکن است با اصول شرعی آشنا نبوده و یا نسبت به آن حساس نباشند و در نتیجه عدالت ممکن است آنطور که باید، اجرا نگردد.<sup>۴۹</sup> از طرف دیگر، مشکل عقیدتی می‌تواند در مواردی که یک مسلمان توسط یک قاضی غیر مسلمان محاکمه شود، بروز کند؛ محققان ایرانی پیشنهاد می‌کنند که این مشکل باید با رجوع به نظریه علماء حل شود.<sup>۵۰</sup>

این مشکل دوگانه ناشی از فقدان قضات مسلمان، گونه‌ای متناقض دلیلی برای ایران شده است که هم تصویب اساسنامه را مد نظر قرار دهد و هم امیدوار باشد که کشورهای مسلمان بیشتری به آن بپیوندند به طوری که آنها هم بتوانند طرز فکر حقوقی قوانین شرعی را به محیطی که متشکل از سیستم‌های حقوق عرفی و مدنی است وارد نمایند. اما به هر حال در مورد صلاحیت تحصیلی، معرفی و انتخاب قضات، در حالیکه ماده (۱) (ای) (۸) ۳۶ اساسنامه، حضور «نمایندگان سیستم‌های قضائی اصلی جهان» را ذکر می‌کند، زمینه مذهبی این قضات را معیار انتخاب آنها نمی‌داند. معهدا با توجه به این مطلب که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای مسلمان در افریقا و آسیا قرار دارند، می‌توان تصور نمود که ماده (۲) (ای) (۸) ۳۶ در باره «توزیع جغرافیائی عادلانه نمایندگان»، مقررات اصلی برای حصول اطمینان از این امر باشد که قضات مطلع از قوانین شرعی اسلام نیز انتخاب شوند.<sup>۵۱</sup>

## ۴. مشکلاتی که ممکن است در نتیجه الحاق احتمالی اساسنامه دادگاه جنائی بین‌المللی در قوانین ایران، بروز کنند

در مورد حقوق بین‌الملل و سلسله مراتب معیارها، به نظر می‌رسد که ایران دارای یک سیستم دوگانه است. همانطور که قبلاً ذکر شد، رئیس‌جمهور، معاهدات بین‌المللی را پس از آنکه از تصویب مجلس گذشت، امضاء می‌کند، و این در حالی است که تمامی

<sup>۴۷</sup> «حجازی»، ر.ک. زیرنویس ۲۸، ص. ۳۹۹.

<sup>۴۸</sup> «الحیب»، ر.ک. زیرنویس ۳۶، ص. ۳۵۸.

<sup>۴۹</sup> همان، ص. ۳۵۹.

<sup>۵۰</sup> در این مورد شایان ذکر است که از ۹۷ کشور امضاء کننده این اساسنامه در دسامبر ۲۰۰۴، ۱۷ کشور از اعضاء سازمان کشورهای اسلامی بودند، که از نظر جغرافیائی به شکل زیر تقسیم شده بودند: یک کشور عضو گروه کشورهای اروپای شرقی - آلبانی، یکی از گروه کشورهای امریکای لاتین و کارائیب - گینه؛ سه کشور از گروه کشورهای آسیائی - افغانستان، اردن هاشمی، تاجیکستان؛ و ۱۲ کشور از گروه کشورهای افریقائی - بنین، بوركینافاسو، جیبوتی، گابون، گامبیا، گینه، مالی، جمهوری فدرال نیجریه، سنگال، سیرالئون و اوگاندا. و بالاخره می‌توان بوسنی و هرزگوین و جمهوری افریقائی مرکزی را هم که در سازمان کشورهای اسلامی موقعیت ناظر دارند، را هم اضافه کرد. علاوه بر آن از این هفده کشور، مسلمانان در چهار کشور (یعنی بنین، گابون، گینه و اوگاندا) از نظر جمعیت در اقلیت بودند؛ در دو کشور از این کشورها (یعنی بوركینافاسو و نیجریه) نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند؛ و در ۱۱ کشور دیگر اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند. برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به <http://www.oic-oci.org/> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۵).

کنوانسیون‌ها و توافق‌های بین‌المللی باید توسط مجلس تصویب و تأیید شوند.<sup>۵۲</sup> به عبارت دیگر، مجلس هم در مرحله امضاء و هم در مرحله تصویب دخالت می‌کند؛ یعنی ابتدا رئیس‌جمهور را مجاز می‌نماید که اسناد بین‌المللی را امضاء کند و به دنبال آن این اسناد هنوز باید از تصویب مجلس بگذرند.

در مورد اساسنامه، تا کنون اولین مرحله اجرا گردیده است. در واقع همراه با اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران آخرین کشوری بود که در روز ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ که مهلت پایانی مذکور در ماده (۱) ۱۲۵ اساسنامه بود، آن را امضاء نمود.

اما به هر حال، مسائل لزوماً در این مرحله خاتمه نمی‌یابد، زیرا که شورای نگهبان به منظور کسب اطمینان از تطابق این سند با قوانین اسلامی و قانون اساسی، هنوز می‌تواند دخالت نماید. در ارتباط با این موضوع، شایان ذکر است که اکثریت میان شش فقیه است که خود به تنهایی تطابق قوانین مصوب مجلس با اصول و قواعد اسلامی را تعیین می‌کند. و نیز اکثریت تمامی ۱۲ عضو شورای نگهبان است که تطابق همان قوانین را با قانون اساسی تعیین می‌کنند.<sup>۵۳</sup> نهایتاً هر گاه که شورای نگهبان دریابد که یک لایحه پیشنهادی مجلس با قوانین شرعی و یا با قانون اساسی تناقض دارد، و مجلس هم قادر نیست انتظارات شورای نگهبان را تأمین نماید، مجمع تشخیص مصلحت نظام، که اعضاء آن توسط رهبر انتخاب می‌شوند، به درخواست رهبر باید تشکیل جلسه دهند.<sup>۵۴</sup> اگر به طور کلی روحیه مذهبی قانون اساسی و جایگاه خاص قوانین شرعی در دیدگاه‌های کیفی جمهوری اسلامی ایران رادر نظر بگیریم، آنگاه ممکن است این ساختارها را بهتر درک نمائیم.

از نقطه نظر غیر مذهبی، لازم به ذکر است که نماینده ایران در برابر کمیته ششم در سال ۱۹۹۹ اظهار داشت که پیشرفت کار در مورد تعریف جنایت تجاوز «به تصویب این اساسنامه کمک خواهد نمود».<sup>۵۵</sup> آینده نشان خواهد داد که اضافه کردن تعریف این جنایت به اساسنامه تا چه اندازه در تصویب اساسنامه توسط ایران مؤثر خواهد بود.

و بالاخره در تابستان ۲۰۰۲، ایران به شورای امنیت اطلاع داد که [در ایران] مطالعاتی در جهت ارائه [اساسنامه] به پارلمان برای تصویب، در جریان است.<sup>۵۶</sup>

در مجموع تشکیل دادگاه جنائی بین‌المللی، مباحث داغی را میان محققان و مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران که آشکارا علاقه خود را به این مبحث اظهار داشته، به راه انداخته است. شاید سخنرانی سال ۲۰۰۰ آیت‌الله یزدی به بهترین وجه موضع متناقض جمهوری اسلامی ایران را در قبال این اساسنامه بازگو کرده باشد. آیت‌الله یزدی به وضوح علاقه خود را به تشکیل این دادگاه که بر اساس گفته او نشان دهنده «نقطه عطفی» در تاریخ است، ابراز داشت.<sup>۵۷</sup> آیت‌الله یزدی با تأکید بر اینکه ایران خصوصاً و اسلام عموماً دارای «بهترین منابع حقوقی» می‌باشند و اینکه اظهاراتشان بر پایه «وحی» الهی و بنا بر این «خطاناپذیر» است، اضافه نمود

<sup>۵۱</sup> اصول ۱۲۵ و ۷۷ قانون اساسی.

<sup>۵۲</sup> اصل ۹۴ قانون اساسی.

<sup>۵۳</sup> اصل ۱۱۲ قانون اساسی.

<sup>۵۴</sup> «بیانیه پنگجه ۲۰ اکتبر ۱۹۹۹»، رک. زیرنویس ۲۲.

<sup>۵۵</sup> بیانیه جناب آقای محمد ح. فدائی فرد، سفیر و کاردار دائمی جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت در مورد وضعیت در بوسنی و هرزگوین در ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۲، قابل دسترسی در <http://www.iccnw.org/countryinfo/northafricamiddleeast/iran.html> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۵).

<sup>۵۶</sup> نگاه کنید به «یزدی»، رک. زیرنویس ۲۴، ص. ۱۱.

که در حالیکه تمام مقررات مندرج در اساسنامه لزوماً «صحیح» نمی‌باشند، اما با وجود این، بحث در باره آنها حائز اهمیت است و آنهایی که فکر می‌کنند «پیوستن» به این اساسنامه مضر است، مسایل را با دید به آینده و افق گسترده‌تر حل و فصل نمایند.<sup>۵۸</sup>

ژورنال بین‌المللی حقوق جنائی، شماره ۳، ص. ۶۳۵

---

<sup>۵۷</sup> همان، صص. ۱۲-۱۳.